

ملاً خطای شوشتری

نویسنده و سراینده ایرانی لکهنو

عارف نوشاهی

محمد بن محمد صادق شوشتری متخلص به خطا از شعرا و علمای قرن ۱۲-۱۳ هـ ایران از جمله نخستین کسانی است که با علوم و معارف اروپایی فی الجمله آشنا شد و کتاب بزرگ او جام جهان نما که اثری دایرة المعارف گونه است مشحون از فواید تاریخی و اجتماعی است. زندگی پرماجرایی او در ایران و عتبات مقارن ایام آشوب و هرج و مرج عصر زندیه بود و سرانجام بر اثر پریشانیها و مشکلات اجتماعی وطن خود را ترك گفت و به هندوستان مهاجرت کرد و به دربار اوده (لکهنو) پیوست. فرمانروایان شیعه مذهب لکهنو که به دانشمندان شیعی و مؤسسات دینی کمک می کردند ملجأ علما و شعرای بسیاری بودند که از ایران به هند می رفتند.^۱ شرح حال خطا در کتب تذکره و سفرنامه‌های بعضی سیاحان ایرانی که در قرن سیزدهم به هند رفته‌اند و او را در لکهنو یافته‌اند دیده می شود:

میر عبداللطیف خان شوشتری (۱۱۷۲-۱۲۲۰ هـ) که همشهری و دوست خطا بود، در ۱۲۰۳ هـ وارد هندوستان شده و در ۱۲۱۲ هـ در لکهنو به سر می برده، او با خطا مجالست و مصاحبت داشت. عبداللطیف شوشتری در تحفة العالم (تألیف در اواسط جمادی الاولی ۱۲۱۶ هـ) سوابق آشنایی خود با خطا و وضع او در لکهنو را چنین بیان کرده است:

مولانا محمد شوشتری «خطا» تخلص که شاعری نغز گفتار و مصاحبی پسندیده اطوار و با من از شوشتر الفقی استوار داشت و از مدتی در آن شهر ساکن بود، تاریخ جلوس [نواب سعادت علیخان] را بدین نحو در يك رباعی فرمود و نواب معظم او را مورد التفات داشت. ...

۱. شرح این گونه اقدامات را می توان در تاریخ اوده تألیف حکیم نجم الفقی خان رامپوری (متوفی ۱۹۳۲ م) بتفصیل دید و میر عبداللطیف شوشتری در تحفة العالم و ملاً خطای شوشتری در در جام جهان نما و سید علی خان حجازی در جام جم هندوستان هم به این موضوع پرداخته‌اند، مثلاً به گفته عبداللطیف، نواب آصف الدوله در لکهنو «کاروانسرای عالی بجهت زوآر و سکنه عتبات... ساخته بود که مدام جمعی کثیر و جمعی غفیر در آن بودند. از روز ورود موجب بجهت هریک بقدر مرتبه اومعین می شد، تا روزی که روانه می گردید کمابیش آنچه در مقصوم او بود به اومی رسید. و یکی از کارهای خیر آن سعادتند آوردن آب فرات است به ارض غری...» (تحفة العالم، تهران ۱۳۶۳، ص ۴۲۳).

و مولانا در شوشتر که به سن تمیز رسید و طبیعت خود را موزون دید از آنجا برآمده در شیراز بیضا که مجمع فضلا و شعرا بود و بعض بلدان عراق عجم، با جمعی از شعرای معاصر مختلط گردید. در آن هوای روح پرور و از صحبت سخنوران فیض گستر، زبان او را روانی به هم رسید و به جرگه ایشان درآمد. نازک خیال و قصاید غراً و مراثی نیکو در مدح ائمه هدی و سید الشهداء، صلوات الله علیهم، دارد و دیوانی بقدره دوازده هزار بیت از او دایر است و در شعر کرده سلمان ساوجی را می دارد و از قصاید سلمان عکس بر گرفتن بازوی قوی و دست رسا می خواهد. در تعزیه داری و مرثیه خوانی بیهمال و در حسن صوت و سرآیدن نغمات و مهارت در موسیقی و آداب صحبت عدیم المثال است. در مجالس تعزیه و خواندن مراثی، هر قدر مردم به هر خوشوقتی و قساوت قلب که باشند، همه را بر تبه ای بگریانند که بیخود شوند. و در مجالس منادمت به زمزمه و بذله سنجی، هر قدر که مجلسیان مغموم و از زهاد باشند، بخنداند و به نشاط آورد. به هند افتاده، از آصف الدوله اعزاز یافت و به روضه خوانی تعزیه خانه ای...^۲ او را مفتخر گردانید. تا حال در آن دیار و به آن خدمت عظمی افتخار و روزگاری به آسایش دارد. تا در آن شهر بودم روز و شب پیوسته انیس و جلیس بود و به رنگین صحبتی و نغمات دلکش زنگ کلفت از کانون سینه می زدود.^۳

سلطان الواعظین ابوالفتح حسینی شاگرد آخوند نوری (متوفی ۱۲۴۶هـ) در ۱۲۲۱هـ) به هند سفر نمود و خطا را در آنجا دید و در سفرنامه خود (نگارش ربیع الثانی ۱۲۳۱هـ) مطالب مختصری راجع به خطا نوشت که از نظر اطلاعات شبیه تحفة العالم است.^۴ محمد مظفر حسین صبا بهویالی در تذکره روز روشن^۵ (نگارش ۱۲۹۶هـ) و سید احمد دیوان بیگی شیرازی در حدیقه الشعراء^۶ (نگارش ۱۲۹۶هـ) و حکیم نجم الغنی خان رامپوری در تاریخ اوده^۷ (نگارش ۱۳۲۸-۳۲هـ) از خطا به عنوان سراینده و روضه خوان یاد نموده اند. اما از همه بهتر و بیشتر، شرح حال خطا به قلم خود اوست که در مقدمه جام جهان نما آمده است. درباره این کتاب بعداً سخن خواهیم گفت، اینک چکیده ای از سرگذشت او براساس این کتاب.

۲. نواب آصف الدوله از فرط ولای ائمه اطهار، صلوات الله علیهم، وجد و جهدی که به مراسم تعزیه داری سید الشهداء داشت، تعزیه خانه ای و مسجدی عالی در جنب آن قریب به خانه خود بنا نهاد و مبالغ خطیر صرف عمارت و تزئین آن نمود. از دفترداران آن سرکار و مردم ثقه که در آن امر دخیل بودند، شنیدم که از دو کور و رویه زیاد خرج آن شده است. در مقام این کشور عمارتی به آن بزرگی و وسعت و روح و فضا جای دیگر نیست» (تحفة العالم، تهران، ص ۴۲۴).

۳. تحفة العالم، ص ۲-۴۳۱.

۴. سفرنامه سلطان الواعظین ابوالفتح حسینی حسینی، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۱۴۴، ص ۷۷.

۵. روز روشن، ص ۲-۲۴۱. ۶. حدیقه الشعراء، ۱/۵۷۲.

۷. تاریخ اوده، تألیف حکیم نجم الغنی رامپوری (به زبان اردو) چاپ کراچی، ج ۳، ص ۳۵۱.

سرگذشت خطا در ایران

نیاکان او از شوستر بودند. وی در همانجا در غره شوال ۱۱۷۵ هـ زاده شد و در ۱۱۷۸ هـ به علت ناآرامی در شوستر (همراه با پدر و مادر خود) به کربلا رفت و پیش معلمی آموزشهای ابتدایی را دید. در دوازده سالگی (۱۱۸۷ هـ) از مدرسه گریخت و برای تماشای رود دجله و شهر بغداد به بغداد رفت. پس از درگذشت پدر و مادر خود در پانزده سالگی (۹۱-۱۱۹۰ هـ) نزد مادر بزرگش به بهبهان رفت. فخرالامرا محمد جعفر خان بیگلر بیگی کهگیلویه او را به پسر خواندگی پذیرفت و عده‌ای از دانشمندان را برای تعلیم و تربیت او گماشت. در عین حال خطا منشی محمد جعفر خان نیز بود و در همان ایام مثنوی مهر و ماه را سرود.

در رمضان ۱۱۹۴ هـ سردار قنوات (از بخشهای قم) به محمد جعفر خان تاخت و جعفر خان همراه با نزدیکان و خویشاوندان خود و از جمله خطا به قلعه شمالی بهبهان پناه برد. سردار قنوات با باروت قلعه را منفجر ساخت. خطا جان سالم به در برد و از آنجا فرار کرد و نزد شیخ ناصرالدین حاکم بوشهر پناه برد. سپس از بوشهر به شیراز رفت و مهمان محمد زال خان بن رستم سلطان خشت شد.^۸ با تلاشهای زال خان، خطا در خشت متأهل شد و سه سال در آنجا ماند و صاحب فرزند شد. این روزگار مصادف با کشمکشهای خاندان زندیه بود و در ایران هرج و مرج به وجود آمده بود و قصبه خشت نیز از ناآرامی مصون نمانده بود و چپاولگری طایفه لر، مردم خشت و اطراف را به ستوه آورده بود. خطا ناچار همراه با خانواده خود دوباره به بوشهر برگشت و به کسب و کار پرداخت. روزگار بر او سخت می‌گذشت، اما سخنوری را ادامه داد و تا آن موقع حدود بیست هزار بیت در مصایب اهل بیت سرود. به گفته خودش: «به اندک وقتی منشآت حقیر از منظوم و منثور در اطراف و اکناف منتشر و مشهور ماند و مقبول طبایع انام شدند.» محمد خلیل خان ایلیچی که بازرگان بزرگ بوشهر بود به خطا ارادت پیدا کرد و از او بسیار قدردانی نمود و او را به يك افسر انگلیسی که جوئز نام داشت و نماینده شرکت بازرگانی (انگلیسی) بود معرفی کرد. خطا شش ماه در خدمت جوئز بود و از او حقوق مکفی می‌گرفت. اما او این خدمت را دون شأن خود دانست و استعفا داد و دوباره به تجارت پرداخت، اما در نتیجه حمله دزدان دریایی سرمایه خود را از دست داد و ناچار يك بار دیگر پیش شیخ ناصرالدین به بصره رفت. در همین زمان پادشاهی زندیه در ایران منقرض شد (۱۲۰۹ هـ) و

۸. یکی از فرزندان او میرزا علی متخلص به صواب شوشتری است که تذکره نویسان مولد او را شوستر نوشته‌اند، اما بعداً به لکهنو وارد شد و در همانجا در اول جوانی درگذشت. رجوع شود به: روز روشن تألیف محمد مظفر حسین صبا، تصحیح محمد حسین رکن زاده، تهران ۱۳۴۳، ص ۴۸۰؛ حدیقه الشعراء، تألیف سید احمد دیوان بیگی، تصحیح عبدالحسین نوانی، تهران ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۲-۱۰۷۱.

قاجاریان روی کار آمدند. در اثر تحولات سیاسی در ایران دوباره ناامنی به وجود آمد و قصبه خشت که همسر و فرزندان خطا در آنجا زندگی می کردند مورد تاخت و تاراج قرار گرفت. خانواده او ناچار از آنجا گریختند، به بصره رفتند و به خطا پیوستند. در آن زمان خطا به قول خود گرفتار مشکل «کثرت عیال و قلت مال»^۹ شد. او خانواده را به کربلا بُرد و به خدمت علمای آنجا مشغول گشت.

سفر به هندوستان

بالاخره خطا تصمیم گرفت که عیال و فرزندان را در کربلا بگذارد و خود به هندوستان برود و برای امرار معاش بخت آزمایی کند. خانواده خود را به مجتهدالزمان میر سیدعلی کر بلانی (متوفی ۱۲۳۱ هـ) و میرزا مهدی شهرستانی (متوفی ۱۲۱۶ هـ) سپرد و از علمای کربلا سفارش نامه‌هایی خطاب به نواب آصف الدوله (۱۱۶۱-۱۲۱۲ هـ) فرمانروای ایالت اوده و سرفرازالدوله میرزا حسن رضاخان (متوفی ۱۲۱۶ هـ) وزیر دربار اوده و مولانا دلدارعلی مجتهد لکهنوی (۱۶۶-۱۹ رجب ۱۲۳۵) گرفت و رهسپار هند شد. از بصره به مسقط رفت و از مسقط سوار کشتی شد و پس از سفری یک ماهه در سال ۱۲۰۹ هـ در بندر سورت در هند فرود آمد و از آنجا از راه زمینی به کماچ رسید. حاکم کماچ که شیعه بود از خطا بسیار استقبال نمود و از او خواهش کرد که در کماچ بماند. اما خطا عذرخواهی کرد و حرکت خود را به سوی لکهنو ادامه داد و پس از سه ماه یک منزل نرسیده به «بلده مبارک لکهنو که کعبه و مقصود عرب و عجم بود»^۹ بار خود را بر زمین گذاشت و از آنجا برای هوطنان خود که مدتها پیش از ایران به لکهنو هجرت نموده بودند نامه‌ها فرستاد. برای نواب حسن رضاخان و مولانا دلدار علی لکهنوی نامه‌های جداگانه نوشت و از آنان خواهش کرد که برای اقامت او در لکهنو تدارکی بینند. نواب حسن رضاخان که خودش بیسواد بود ولی (به گفته خطا) همیشه در کنار خود نسخه‌های قرآن مجید و صحیفه سجاده و سایر نسخ نفیس را می چید، نامه را به یک درباری که مغولی کم سواد بود داد. او محتویات نامه را پیش نواب طوری بیان کرد که موجب خشم و ناراحتی او شد. اما ملا محمد ندیم بهار که شخص فهمیده‌ای بود، مفهوم حقیقی نامه را توضیح داد و سوءظن رفع شد و بالاخره خطا اجازه ورود به شهر لکهنو را گرفت و نخست با ملا محمد (متوفی ۱۲۸۴) فرزند مولانا دلدار علی دیدار نمود. اما خود دلدارعلی او را نپذیرفت. چون به گفته خطا زوار [ظاهراً ایرانی] دلدارعلی را نسبت به او بدبین کرده بودند. به هر حال ملا محمد ندیم به او بسیار کمک کرد و به سفارش همو به حضور راجه جهاو لعل بهادر (متوفی ۹. عین کلمات خطاست در جام جهان‌نما.

۱۲۳۰هـ) وزیر حکومت آصف الدوله پذیرفته شد و بعداً راجه او را به نواب آصف الدوله معرفی نمود. نواب، خطا را خلعت داد و مقرّب خود کرد (و به روضه‌خوانی در تعزیه‌خانه شاهى گماشت). آصف الدوله در ۲۸ ربیع‌الاول ۱۲۱۲هـ درگذشت و در دربار اوده تفرقه افتاد. عده‌ای به مخالفت با خطا پرداختند. اما علامه تفضل حسین خان (متوفی ۱۵ شوال ۱۲۱۵) که رکن رکین دربار بود از او حمایت و سرپرستی نمود. پس از وفات او خطا به نواب میرزا سعادت علیخان (آغاز وزارت ۱۲۱۲هـ، وفات ۱۲۲۹) متوسّل شد و هجده سال در خدمت او بود. پس از رحلت او به نواب غازی الدین حیدرخان (آغاز وزارت ۱۲۲۹، وفات ۱۲۴۳هـ) پیوست و کتاب قطور خود جام جهان‌نما را به او پیشکش نمود.^{۱۰}

خطا در لکهنو وفات یافت و در همانجا مدفون گشت^{۱۱} و ظاهراً خانواده خود را نیز از کربلا به لکهنو خوانده بود، چون پسرش صواب شوشتری در اوایل جوانی در لکهنو درگذشته و مدفون شده است.^{۱۲}

آثار علمی

خطا در جام جهان‌نما از چندین اثر خود نام برده است و حتی متن بعضیها را در آن کتاب گنجانیده است. آثار او بدین قرار است:

۱. مهر و ماه: مثنوی که در ایام تحصیل در بهبهان سروده بود. هیچ نسخه‌ای از این کتاب تاکنون دیده نشده است.

۲. بحرالبکا: مجموعه‌ای است از نثر و نظم که مؤلف پیش از ۱۱۹۴هـ تألیف کرده است. در بیان مصایب ائمه، بویژه مصیبت حضرت امام حسین (ع)، مشتمل بر يك «چشمه» و چهار «نهر» و شصت «دجله». متن این رساله با حذف مطالب متثور، به اضافه بعضی منظومه‌ها در جام جهان‌نما، (میخانه هفتم، خم اول) نقل شده است.

۳. شوشتری گفتار: مجموعه مثنویها، ترجیع بندها، قطعات ماده تاریخها، غزلیات، رباعیات، لطایف و ظرایف و تعبیر خواب است. خطا متن این مجموعه را در جام جهان‌نما (میخانه هفتم، خم دوم) آورده است. بعضی قطعات از نظر تاریخی بسیار ارزش دارد، مثلاً تاریخ تذهیب قبه سیدالشهداء (ص ۷۱-۶۷۰) به روزگار آقا محمدخان قاجار، به سال ۱۱۹۴هـ که در آن اسامی معماران و کارگران نیز آمده است، یا تاریخ مرمت حجرات صحن سیدالشهداء (ص ۶۷۱) به وسیله میرزا محمد شفیع وزیر آقا محمدخان قاجار به سال ۱۲۱۳هـ.

۱۰. این مطالب گزیده‌ای است از جام جهان‌نما، ص ۷-۶۶، ۱۱ و ۱۲. روز روشن، ص ۴۸۰.

۴. بحر وصال: مثنوی فارسی است که خطا در بوشهر سروده بود. در بیان دلباختگی جوانی ایرانی و دختری هندو در بنارس، با سرآغاز:

الهی تشنهٔ بحر وصال به دریا ده چو سیلاب اتصال
زعشق آتش زن این خاکی بدن را بکن پاک از هوا چون آب تن را

این مثنوی به این بیت خاتمه می‌یابد:

درین دریا توکل را سبب کن خموشی را امانت دار لب کن

در ابتدا دیباچه‌ای به نثر دارد که سراینده در آن سبب سرودن مثنوی را بیان کرده است. متن بحر وصال در جام جهان‌نما (میخانهٔ هفتم، خم دوّم) آمده است. و نسخهٔ جداگانه‌ای نیز در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۴۸۲/۱ موجود است.

۵. کنز الملوک: این کتاب را وقتی خطا در کربلا بوده، به خواهش دانشمندی که گفتارهای پندآمیز حکما را جمع کرده بود، به نظم درآورد. این رساله با این بیت آغاز می‌شود:

به نام خدایی که جان آفرید خرد داد و تیغ زبان آفرید

و به این بیت به پایان می‌رسد:

درینجا که پایان این مدعاست خطا را بر احباب چشم دعاست

متن این رساله در جام جهان‌نما (میخانهٔ هفتم، خم دوّم) نقل شده است.

۶. دیوان خطا: شیخ آقا بزرگ طهرانی از دیوان او نام برده است^{۱۳} اما به هیچ نسخه‌ای اشاره نکرده است. راقم این سطور نیز دیوان اشعار او را ندیده است. البته خطا در جام جهان‌نما (میخانهٔ هفتم، خم دوّم، تحت عنوان «شرح حال خود») که دربارهٔ شعرگویی خویش مطلبی نوشته است می‌گوید که در مدت ملازمت نواب سعادت علیخان وی آسوده خاطر بود و ده بیست [۱] هزار بیت در مناقب و مصایب اهل بیت گفته بود. اما هیچ وقت به مدح اهل دنیا نپرداخته است* و به غزل سرایی نیز توجه نداشته است. با وجود این وی چهل و یک غزل در جام جهان‌نما آورده است که البته چندان لطافت ندارد. اینک نمونهٔ غزل او:

۱۳. النریه الی تصانیف الشیمة ۱/۹: ۲۹۷.

* قصایدی که خطای شوشتری در ستایش نوابان و درباریان لکهنو سروده است این دعوی را نقض می‌کند. این گونه قصاید را در جام جهان‌نما می‌توان دید.

تو مرا جانی و من بی تو تنِ بی جانم
 در شبستان تو مرا شمعی و من می سوزم
 مالک کشور حسنی تو و من مملو کم
 تیغ بردار و بکش، شرم مکن، باک مدار
 مکن از بندگی خویش خطا را آزاد
 قهر و صلح تو یکی درد، یکی درمانم
 چون گل و ابر تو خندانی و من گریانم
 صدر ایوان جلالی تو و من دربانم
 پرده بی نیست تو می دانی و من می دانم
 دوسه روزی که گرفتار درین زندانم^{۱۴}

۷. جام جهان‌نما: این کتاب مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر موجود خطای شوشتری است که مأخذ جمیع اطلاعات دربارهٔ احوال و آثار اوست. از این کتاب فعلاً دو نسخه خطی سراغ داریم:

الف. نسخه گنجینه شیرانی در دانشگاه پنجاب لاهور، به شماره ۵۱۳۹/۲۱۲۷، ناقص الآخر.

ب. نسخه کتابخانه خصوصی آقای خورشید احمدخان صاحب امتیاز روزنامه مرکز اسلام آباد، به شماره ۵، به خط نستعلیق، ۷۳۰ صفحه ۳۳ سطری، ناقص الآخر (تا خم سوم از میخانه هفتم).

خطا این کتاب را در هنگام اقامت در لکهنو تألیف نمود و به نام نواب غازی‌الدین حیدرخان (آغاز وزارت ۱۲۲۹، وفات ۱۲۴۳ هـ) موشح ساخت. این کتاب، که دائرةالمعارفی است از علوم و فنون کهن و جدید، بیشتر ارزش آن از دیدگاه اطلاعات عصری می باشد که یک قسمت مربوط به تاریخ ایران است و قسمت دیگر راجع به هندوستان. در ۱۲۱۶ و ۱۲۲۱ هـ فرمانروایان و هابی مذهب نجد به کربلا و حرمین شریفین لشکرکشی کردند، خطا وقایع این لشکرکشی و خرابکارهای و هابیان را متذکر شده است.

محتویات کتاب. نگارنده کتاب راجع به تسمیه و تقسیم‌بندی کتاب چنین توضیح داده است: «این پیمانه هوش را با موسوم است به جام جهان‌نما و لبالب است از صاف دُرد میخانه علوم، و سلسبیلی است سبیل در راه هر موجود و معدوم و مشتمل است بر صافی و دُردی که به منزله مقدمه و خاتمه اوست و باده این جام که ماده عقول انام است از هشت میخانه به تعداد کلمات ابجدی برمی خیزد و هر میخانه را به عدد حروف مفرد آن کلمه خها لبالب از سر جوش راح روح افزای معنی مهیاست».^{۱۵} به بیان ساده این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هشت میخانه و یک خاتمه است. اما تقسیمات فرعی زیاد دارد. موضوعات اصلی هشت میخانه بدین شرح است:

۱. در سرگذشت نویسنده از تولد تا تألیف این کتاب، اثبات واجب الوجود، افلاك، ستارگان، نفوس، عقول، عناصر، ابا و امهات، موالید، معادن، فرشتگان، جانوران، پرندگان (زمینی و دریایی)، آدم، پیدایش ابلیس، اختلاف مذاهب، قیامت و ادوار فلک، علم بیان، جفر، عمل تکائیر، ریاضیات؛

۲. دین هندوان هندوستان، اصلیت فرقه و هابیه، چگونگی دین زردشتی؛

۳. اقوال و افعال دانشمندان متقدم و متأخر، کشف دنیای جدید به وسیله فیلسوفان مسیحی؛

۴. علم کیمیا، پندهای حکیمان و مسائل موسیقی و سماع، اُمت محمدی، آرای فیلسوفان معاصر انگلستان درباره دانش هیئت و ستاره شناسی؛

۵. گزارش گرویدن يك نفر سنی به مذهب شیعه، عجایب و غرایب هفت اقلیم، شرح شهرها و قریه های فرنگستان از راه کلکته تا فرنگستان و از آنجا تا قسطنطنیه و بغداد، مقولات حکمت آمیز صوفیان؛

۶. وضع خطوط و حروف الفبا و قلم از ابتدا تا امروز، علم رمل، حلال و حرام در شرع محمدی، احوال مفصل ائمه اطهار؛

۷. مرثیه های سروده نگارنده کتاب در سوگ اهل بیت، منظومه های دیگر نگارنده کتاب، درباره کتاب ذخیره اسکندرانی؛

۸. حبس دم که عاملان این فن انجام می دهند، نشئه باده، غلو ارادت نصیریان به حضرت علی (ع)؛

خاتمه: بیوفایی دنیا و نصایح چند تن از اصحاب طریقت.

مطالب مهم: نویسنده کتاب راجع به کتابخانه نواب آصف الدوله و فهرست آن اطلاعات جالبی به دست داده است، وی روزی که خواست از این کتابخانه دیدار نماید، اجازه گرفت؛ در این باره می نویسد: «دستوری از امنای دولت دستور اعظم حاصل نموده فهرست يك مخزن را منجمله کتابخانه که در تحویل تحویلداران جدید بود، به دست آورده. چون آن کتاب فهرست را نظر کرد مجلّدی دید بسیار ضخیم و حجیم، در غلاف زرتاری از مقبش و سیم آورده تسلیم این سلیم نموده معلوم شد که فهرست يك مخزن است. در آن صحیفه به ترتیب حروف تهجی نام دوازده هزار جلد کتاب مندرج بود. بغیر از فهرست، مرقعات و تصویرات بی نظیر و دلپذیر به نظر آمد. هر يك از مردم کتابخانه سخنی می گفتند که بیان او اگر به چشم خود نمی دید خارج از دائرة عقل می نمود. سیدی جلیل می فرمود که پنج هزار قرآن که بعضی را جلد از یشم و به انواع جواهرات ترصیع نموده و برخی از طلای خالص تارها بر روی هم بافته تا به صورت

قماش تافته به نظر آید و بعضی را بر حواشی و زهوار جلد چندان سیم‌بندی و جواهرنگاری نموده‌اند که هوش و عقل ربای خرداندیشان است. وقس علی هذا القیاس. اینک صندوقها موجود و مهیا در این مکان است.»^{۱۶}

در میخانه پنجم، خطا نقدی بر کتاب مسیر طالبی تألیف میرزا ابوطالب لندی نوشته است و آن را «سراپا حشو و زواید و سخنان ناستوده» خوانده است.^{۱۷}

میخانه هفتم از نظر تاریخی و فرهنگی ارزش دارد. در این بخش قطعات تاریخی به مناسبت‌های مختلف درج شده است که برای مطالعه ترویج مذهب جعفری توسط نوابان آوده بسیار مفید است. مثلاً تاریخ بنای «امام باره (حسینیّه) وزیر الممالک» در ۱۱۹۸ در لکهنو، تاریخ مسجد و امام باره‌ای که مهدی علیخان در ۱۲۰۹ در کنار رودخانه گومتی بنا کرده بود، تاریخ ارسال بیست هزار روپیه از طرف راجه جهاولعل و همسرش به جهت تعمیر قبه حضرت ابوالفضل عباس، تاریخ بنای امام باره لکهنو در ۱۲۱۲ هـ، تاریخ حفر چاه به وسیله مهدی علیخان در ۱۲۱۴ هـ.

گذشته از مطالب تاریخی مفید و اطلاعات دست اول درباره حیات اجتماعی و دینی هند و ایران، یکی از فواید این کتاب مطالبی است که مؤلف درباره علوم جدید نوشته است که از نظر تاریخ علوم و مطالعه نخستین برخوردهای مسلمین با اروپا و علوم و معارف اروپایی ارزشمند است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶. ایضاً، ص ۴۷-۴۶.

۱۷. ایضاً، ص ۶۰۴.